آخرین پیام برتراند راسل



برگردان: فرهاد ابراهیمی

آخرین پیام [سیاسی] برتراند راسل

برگردان: فرهاد ابراهیمی

شهریور ۱۳۹۳

این متن ترجمه‌ایست از:

Yours Faithfully, Bertrand Russell: A Lifelong Fight for Peace, Justice, and Truth in Letters to the Editor Open Court Publishing, 2002, pp 410-412.

این بیانیه درباره خاورمیانه به تاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۷۰ در سوم فوریه ـ روز پس از درگذشت برتراند راسل ـ در همایش بین‌المللی اجلاس نمایندگان مجالس در قاهره خوانده شده است.

آخرین مرحلهٔ جنگ اعلام نشده در خاورمیانه بر خطایی بسیار بزرگ استوار است. حملاتِ ناگهانی هوایی در عمق اراضی مصر مردم غیر نظامی را وادار نمی کند که تسلیم شوند، بلکه آنان را مصمم‌تر می‌کند که مقاومت کنند. این درسِ عبرتِ تمام بمباران‌های هوایی است.

آن ویتنامی‌ای که سال‌هایِ بمباران سنگین آمریکا را تحمل کرده است، نه با تسلیم بلکه با بیشتر سرنگون کردن هواپیمای دشمن واکنش نشان داده است. در سال ۱۹۴۰ هم‌وطنان خودم در برابر

حملاتِ هوایی هیتلر با وحدت و عزمی بی‌سابقه مقاومت کردند. به‌این علت، حملات کنونی اسرائیل در مقصود اصلی شان شکست می‌خورد، اما در همین حال باید این حملات را در سراسر جهان شدیداً محکوم کرد.

گسترش بحران در خاورمیانه هم خطرناک است و هم آموزنده. به‌مدت بیش از ۲۰ سال اسرائیل با زورِ اسلحه وسعت یافته است. اسرائیل پس از هر مرحله از این توسعه اقامهٔ «دلیل» کرده و «مذاکره» را پیشنهاد کرده است. این نقشِ سنتیِ قدرتِ غالب است، چون‌که می خواهد آن‌چه را پیش‌تر با تعدی و خشونت گرفته است با کمترین دشواری تثبیت و تحکیم کنند. هر تصرف جدید مبنای جدیدی برای مذاکرهٔ پیشنهادی از موضعِ قدرت می شود، و این هم ستمِ آن تجاوز پیشین را نادیده می‌گیرد. تجاوز اسرائیل را باید محکوم کرد، نه تنها از آن‌رو که هیچ دولتی حق ندارد که اراضی بیگانه را تسخیر کند، بلکه از این‌رو که هر توسعه آزمایشی است تا دریابیم جهان چه میزان تجاوز بیشتر را روا می‌داند.

آن پناهندگانی که صدها هزار تَن شان فلسطین را احاطه کرده‌اند، اخیراً توسط آی. اف. استون، روزنامه‌نگار اهل واشنگتن، به عنوان «بار سنگین اخلاقی بر دوش یهودیان جهان» توصیف شده‌اند. در حال حاضر بسیاری از پناهندگان دقیقاً در دههٔ سوم بقای پرمخاطره‌شان در اسکان‌های موقت هستند. مصیبت(نامهٔ) مردم فلسطین این است که قدرتی بیگانه کشورشان را برای ایجاد حکومتی جدید به‌یک مردم دیگر داده است. نتیجه‌اش این بود که بسیاری از صدها هزار تَن مردم بی‌گناه برای همیشه بی‌خانمان شدند. با هر کشمکش جدید هم شمارشان افزایش می‌یابد. چه میزان دیگر جهان حاضر است که این صحنهٔ ستم توجیه‌ناپذیر را تحمل کند؟ بسیار روشن است که پناهندگان نسبت به‌وطن‌شان که از آن‌جا رانده شده‌اند حقِ قاطعی دارند، و انکار این حق در باطنِ کشمکش مداوم است. هیچ مردمی در هیچ کجای جهان نمی‌پذیرند که همه با هم از کشور خودشان بیرون رانده شوند؛ چه‌گونه ممکن است کسی مردم فلسطین را ملزم کند که کیفری را بپذیرند که هیچ کس دیگری آن را روا نمی‌داند؟ نوعی اسکان عادلانهٔ دائمِ پناهندگان در وطن‌شان جزءِ سازندهٔ ضروری‌ای از هرگونه توافق حقیقی در خاورمیانه است.

بارها شنیده‌ایم که باید با اسرائیل به‌خاطر درد و رنجِ یهودیان در اروپا از دستِ نازی‌ها هم‌دردی کنیم. من در این توصیه هیچ دلیلی برای تداوم بخشیدن به‌هیچ‌گونه درد و رنجی نمی‌بینم. نمی‌توان از آن‌چه اسرائیل امروزه انجام می‌دهد چشم پوشید، و استناد کردن به‌بدی‌های روزگار گذشته برای توجیه کردن بدی‌های زمان حال ریای فاحش است. اسرائیل نه تنها شمارِ زیادی از پناهندگان را به‌بدبختی محکوم کرده است؛ نه تنها بسیاری از اعراب تحتِ اشغال به‌حکومت نظامی محکوم شده‌اند؛ بلکه اسرائیل آن ملت‌های عربی را هم که صرفاً اخیراً از وضع استعماری خارج شده‌اند، محکوم کرده است، تداوم فقر به‌عنوان مقتضیّات نظامی بر توسعهٔ ملی اولویت داشته است.

همهٔ کسانی که می‌خواهند که به کُشت و کُشتار در خاورمیانه توجه (یا رسیدگی) کنند و به‌آن پایان دهند باید اطمینان حاصل کنند که هیچ توافقی حاویِ بذرِ کشمکش بعدی نباشد. عدالت ایجاب می کند که نخستین گام به سوی نوعی توافق باید عقب کشیدن اسرائیل از تمام اراضی اشغال شده در ژوئن سال ۱۹۶۷ باشد. اقدامات جهانی جدیدی لازم است که به‌عدالت‌آوری برای مردمِ صبورِ خاورمیانه کمک کند.

farhad_1984@ymail.com